

■ مروری کوتاه بر مستندات تاریخی نشان می‌دهد گروهک تروریستی نفاق از نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی در تدارک مقابله با نظام نوپای اسلامی و در طول ۲ سال و اندی به دنبال بسترسازی و تهیه مقدمات آن بوده است و در این بازه ۲۸ ماهه در موارد متعددی دست به اقدامات خشونت آمیز، درگیری‌ها و تظاهرات مسلحانه زده و به گردآوری سلاح و مهمات پرداخته است

پرونده‌ای درباره گروهک منافقین که ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ رسماً به روی ایران و مردم ایران اسلحه گرفت

# دشمن مردم

«گروهک منافقین» سال ۵۴ با تغییر ایدئولوژی از اسلام فاصله گرفت
سال ۶۰ علیه مردم ایران اسلحه کشید و سال ۶۷ به خاک ایران حمله کرد

مرگ یکی از خوانندگان زن لس آنجلسی و واکنش هنرمندان بی‌خبر در روزهای اخیر به بکباره نام «گروهک منافقین» را بر سر زبان‌ها انداخت. مرگ شهلاصافی ضمیر (مرجان)، خواننده‌ای که عضو گروهک منافقین بود، در هفته اخیر با واکنش تعدادی از بازیگران مواجه شد؛ بازیگرانی که اطلاعاتی از فعالیت‌های سیاسی و گرایش‌های فکری او نداشتند و پس از یک روز عکس آنها در کنار هم روی جلد نشریه «مجاهد» ارگان سازمان منافقین قرار گرفت و در فضای مجازی پخش شد. آنها بعد از انتشار این تصویر تازه متوجه شدند برای چه کسی عزاداری می‌کنند و مورد سوءاستفاده کدام گروهک جنایتکار قرار گرفته‌اند و بعد یک‌به‌یک شروع به اعلام موضع علیه گروهک منافقین کردند. متین ستوده یکی از بازیگرانی که مورد سوءاستفاده منافقین قرار گرفته بود، در اینستاگرام خود نوشت: «خانوم مریم رجوی، سرگروه مجاهدین خلق، شما سرگروه منفورترین گروهک سیاسی معاند ایران و مردم شریف ایران هستید که من تاکنون شناختم، بی‌چپیت از پیام تسلیت اینچنان برای یک خواننده ایرانی قدیمی که اگر می‌دانستم با شما همکاری کرده

**ارگان منافقین و بسترسازی برای مقابله با نظام**

## بررسی محتوایی نشریه مجاهد از پیروزی انقلاب تا ۳۰ خرداد ۶۰



ایجاد ذهنیت ستیزه‌جو و برانداز هدایت کنند. یکی از پروژه‌های اصلی این جریان در کشور تخریب و ترور شخصیت‌ها بود که به عنوان نمونه بارز می‌توان از ترور شخصیت «یت‌الله دکتر بهشتی» که بعدتر به ترور فیزیکی ایشان نیز انجامید، نام برد. در کنار تهییج‌ها و برانگیختن احساسات هواداران و اعضا، نشریه مجاهد برای تقویت تصویر مظلومیت خود، به‌ظاهر «صبر انقلابی» را توصیه می‌کرد و به هواداران و اعضا تا مدتی در نشریات و اعلامیه‌های علنی دستور می‌داد که خود را کنترل و فشارها را تحمل کنند. بدین ترتیب بر اثر فشارهای تبلیغاتی و روانی تدریجاً بر پتانسیل تخریب هوادارانی که حتی به نیت دیگری جذب منافقین شده بودند، افزوده می‌شد. آشکار بود که این اقدامات به صورت حساب‌شده و قدم به قدم در جهت خواست‌نهایی منافقین طراحی شده بود که در مرحله نخست دست به تهدید علنی و اظهار قدرت نمی‌زد، بلکه با دعوت به صبر و ایستادگی خشم و کینه در هواداران می‌پرداخت. این عبارتها که

۹۸ به شکل روزنامه در آمد و بعد از آن به صورت گاهنامه تا شماره ۱۲۸ در ۴ تیر ۱۳۶۰ در داخل کشور انتشار یافت.

صفحه اول نخستین شماره این نشریه، مانند بسیاری از شماره‌های بعدی آن، دارای تصویری از امام خمینی (ره) بود و در کنار آن این تیتر قرار داشت: «یت‌الله خمینی در حساس‌ترین مقطع این مبارزه به عنوان تبلور شرف و آزادگی مردم ما لقب امام گرفت». همچنین در همین شماره از امام خمینی با تعبیر «چهره پرچمدار و قهرمان» حماسه کبیر مردم که «همچون خورشید تابان‌تر از هر ستاره می‌درخشد» یاد شده است؛ درحالی‌که اعضای کادر قدیمی و اصلی منافقین از درون زندان و پس از آن نه تنها به امام اعتقاد و علاقه‌ای نداشتند که ایشان را با بدترین تعبیر توصیف می‌کردند. منافقین در این نشریه برای آماده‌سازی ذهنی و روحی هواداران در جهت مقابله با نظام، دست به کارهایی می‌زد که آن را «فشارگری» می‌نامید. یک نوع از این اقدامات، سندنسازي درباره نهادهای انقلابی یا نهادهای دولتی بود— که به بهانه‌های مختلف در نشریات و اطلاعیه‌های سازمان انتشار می‌یافت— نوع دیگری به‌خش عمده تبلیغات تحریک‌آمیز منافقین در این نشریه با تشکیل می‌داد «فشارگری علیه ارتجاع» نامیده می‌شد و با هدف ایجاد و تقویت احساسات تنفرآمیز و کینه‌ورزانه نسبت به پاسداران انقلاب و سیستم قضایی صورت می‌گرفت و منافقین با عنوانی مانند «هولمل توطئه‌گر»، «انحصارطلب»، «مرجع» و «چاقادار» و نسبت دادن آنها به نهادهای مسؤولان نظام جمهوری اسلامی، سعی داشتند نفرت به حکومت را در اعضا و هواداران شکل دهند و آنان را به سمت

**سلیم صدیقی**  
پژوهشگر بنیاد هایلیلیان

گروهک تروریست مجاهدین خلق (منافقین) از نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی به اتکای این توجیه که جمهوری اسلامی قادر به تحقق «جامعه بی‌طبقه توحیدی» و رهبری مبارزه ضدامپریالیستی نیست، سرنگونی حکومت و به دست گرفتن قدرت را در بین لایه‌های سازمانی مورد اعتماد کادر مرکزی، هدف استراتژیک خود اعلام کرد و به رغم اعلام وفاداری لفظی به امام خمینی (ره)، با تبلیغ و تأکید گسترده و مستمر بر صلاحیت و پیشتازی انحصاری خود، نیرو و جریان دیگری را برای تحقق اهدافی که در شعارهایش مطرح می‌کرد، صالح نمی‌دانست! بر همین اساس و برای تحقق این منظور، منافقین از ابزار و تبلیغات رسانه‌ای استفاده زیادی کردند که مهم‌ترین آنها نشریه «مجاهد» بود. در ابتدا و پس از پیروزی انقلاب بیانیه‌های منافقین در روزنامه‌های کثیرالانتشار کیهان، اطلاعات و آیندگان به‌صورت مرتب منتشر می‌شد و هم‌زمان نیز بسیاری از مطبوعات با گرایش‌های مختلف نسبت به پوشش و نشر اخبار و مواضع این گروهک و کادرهای اصلی آن، اقدام می‌کردند؛ مدتی نیز نشریه «پیام خلق» ارگان این گروهک بود تا اینکه اول مرداد ۵۸ نخستین شماره نشریه مجاهد ارگان رسمی مجاهدین خلق به‌صورت هفته‌نامه انتشار یافت که پس از انتشار ۳ شماره نشر آن متوقف شد و سپس از ۲۳ مهرماه همان سال مجدداً چاپ شد و از اول فروردین‌ماه ۱۳۵۹ تا شماره

**۳۰ خرداد ۱۳۶۰؛ آغاز فاز مسلحانه منافقین؟**

## در مسیر تقابل

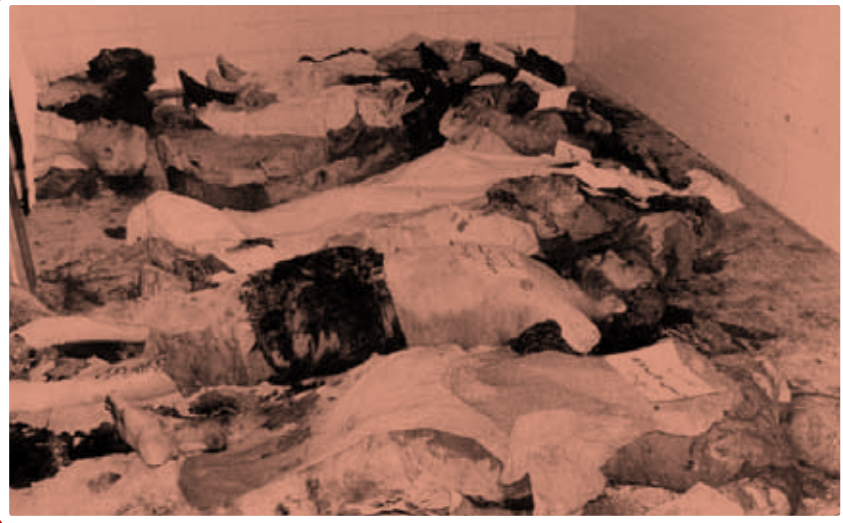
**سیدمحمدجواد هاشمی‌نژاد**  
دبیرکل بنیاد هایلیلیان

سال هاست در کتب، مقالات و مستندهای سیاسی دیده و شنیده‌ایم که منافقین ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ وارد فاز مسلحانه شدند. این گزاره ناخودآگاه ما را به این درک غلط از این گروهک تروریستی می‌کشاند که آنها قصد همراهی با انقلاب را نداشتند یا حداقل به مبارزه سیاسی و رفتارهای مسلحانه‌آمیز معتمد بودند ولی از آنجایی که نظام شرایط را برای آنها فراهم نکرد، به فاز مسلحانه سوق داده شدند! مروری کوتاه بر مستندات تاریخی نشان می‌دهد که این گروهک تروریستی از نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی در تدارک مقابله با نظام نوپای اسلامی بوده و در طول ۲ سال و اندی به دنبال بسترسازی و تهیه مقدمات آن بوده است و در این بازه ۲۸ ماهه در موارد متعددی دست به اقدامات خشونت‌آمیز، درگیری‌ها و تظاهرات مسلحانه زده و به گردآوری سلاح و مهمات پرداخته است. آموزش نظامی کادرها و هواداران نیز برنامه ثابت خانه‌های تیمی منافقین در این برهه زمانی بوده است؛ تا جایی که در برخی اسناد و خاطرات اعضای جدا شده یا دستگیر شده این گروهک، موضوع اعزام نیرو به کشورهای خارجی جهت فراگیری دوره‌های تخریب، جنگ شهری و جنگ چریکی به ثبت رسیده است. قصد داریم در این مقال به بازخوانی گوشه‌هایی از جنایات منافقین در بازه بهار ۵۸ تا تابستان ۶۰ بپردازیم. به گواه اسناد و مدارک تاریخی، منافقین در ماه‌های فروردین و تیر ۱۳۵۸ حداقل در ۳ درگیری مسلحانه در شهرهای آبادان، کرج و تهران یک نفر را شهید و ده‌ها نفر را مجروح کردند. علاوه بر این در طول سال ۱۳۵۸ دست‌کم ۳ انبار اسلحه و مهمات در شهرهای تهران و قلمشهر متعلق به این گروهک کشف شد که در آنها مقادیر زیادی از سلاح و گازهای اشک‌آور نگهداری می‌شد.<sup>۱</sup> درگیری‌های مسلحانه گروهک منافقین به صورت پراکنده در

سال ۱۳۵۹ نیز در شهرهای شهید، تهران، باته و خرم‌آباد ادامه داشت.<sup>۲</sup> مهم‌ترین اتفاق در این سال را می‌توان در خرم‌آباد در تاریخ ۹ بهمن ۱۳۵۹ دانست که طی آن منافقین با آتش‌گشودن به روی مردم بی‌دفاع این شهر، ۲ خانم ۳۵ و ۱۸ ساله را به شهادت رساندند و چندین نفر دیگر را مجروح کردند. هواداران منافقین سپس به مرکز فرهنگی حزب‌الله خرم‌آباد حمله کردند و آنجا را به آتش کشیدند. در این بین، کتب مذهبی فراوانی از جمله قرآن‌های موجود در این مرکز طعمه حریق شد.<sup>۳</sup> یکی دیگر از وقایع مربوط به سال ۵۹ آموزش سلاح به اعضا و هواداران این گروهک است که نمونه آن در ۲۲ مرداد ۱۳۵۹ در ساری کشف شد. طی یک عملیات تعدادی از دختران هوادار این گروهک که در منزل یکی از اعضای آن آموزش سلاح می‌دیدند دستگیر شدند.<sup>۴</sup> یکی دیگر از مواردی که در لایه‌های اسناد تاریخی مربوط به سال ۵۹ به آن بر می‌خوریم مربوط به ۱۵

یکشنبه اول تیر ۱۳۹۹  
وطن‌امروز | شماره ۲۹۵۳

## تاریخ



چه شهرستان‌ها یا مردوران ارتجاع، با چماقدارها… با شناسایی‌های سلسله‌جنبانان این چماقدارها که تا آنجا که ما شناختیم یک حزب به خصوص و مشخص (حزب جمهوری اسلامی) است». (نشریه مجاهد، ش ۲۸، ص ۴) آنچه در ترکیب و ترتیب این مراحل مهم است روح روانشناسانه این نوع از تبلیغات بود که منافقین به همه انتظارات و ابهام‌هایی که خود در اعضا و هواداران ایجاد کرده بود به عمد پاسخ نمی‌داد و در حقیقت احساسات تحریک‌شده اعضا و هواداران مدتی در بوته انتظار می‌ماند و پخته می‌شد و در مرحله بعد هم آنچنان که باید پاسخ نمی‌گرفت و احساساتی که جواب خود را به شکل فعلیت یافته و قطعی دریافت نمی‌کرد در درون هواداران و منافقین بعداً بر اساس آن دست به ترور مسلحانه زدند. این متن که از سخنرانی رجوی در امجدیه منتشر شده است، نمونه‌ای از این دست است: «چه باید کرد؟ یک عده می‌خواهند ایران را ترکیه بکنند ولی ایران که ترکیه بشو نیست، لبنان خواهد شد و ما بگوئیم که در یک تجربه لبنانی، نیروهای انقلابی (مجاهدین خلق) نیستند که بازنده اصلی هستند (نشریه مجاهد، ش ۸۸، ص ۱۶. از سخنرانی رجوی در امجدیه) منافقین سراج‌م در پایان این فرآیند حساب‌شده، که اعضا و هواداران را قدم به قدم در برابر حکومت قرار می‌داد، در مواضع علنی خود تغییر محسوس داد و هر آنچه را که در چپته داشت در تهدیدات خود ظاهر کرد و ماهیتی کاملاً جنگ‌طلبانه یافت و خود را در آستانه شورشگری مسلحانه قرار داد تا جایی که رجوی ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ اعلان جنگ مسلحانه کرد.

از نشریه مجاهد انتخاب شده است، نمونه‌هایی از این دست است: «در مراسم روز پنجشنبه نکته‌ای که هر گز فراموش نخواهد شد و در تاریخ قهرمانی‌ها ثابت خواهد گردید، مقاومت فرمانانه چندین ساعته ملیشیای انتظامات… همراه با صبر و متانت انقلابی در مقابل مزدوران چماقی به دست بود.» (نشریه مجاهد، ش ۵۴، ص ۲) و «آنچه ناظران را شگفت‌زده کرده بود این بود که خواهران و برادران ما… به دلیل دستور تشکیلاتی هیچ‌گونه انعکاس خشونت‌باری از خود نشان نمی‌دادند.» (نشریه مجاهد، فوق‌العاده، ش ۳ انتخابات، ص ۲۷) و «قابل توجه است که چه اعضا و چه هواداران منضبط سازمان ما بر اساس دستورات و سفارشات آرامش‌طلبانه قبلی اساساً جز بردباری و تحمل و انکشی نشان ندادند و الا اگر رفتار متقابل پیشه می‌کردیم، اکنون بسیاری از شهرها را آتش و خون فراگرفته بود.» (نشریه مجاهد، ش ۲۵، ص ۶). منافقین پس از طی این مرحله و تأکید تحریک‌آمیز بر صبر در برابر نیروهای انقلابی در مرحله بعد با ارائه مصادیق مشخص به معرفی عناصر مرجع می‌پرداخت. در این مقطع نهادهای حکومتی بویژه پاسداران، ائمه جمعه، مسؤولان اجرایی و حزب جمهوری اسلامی در کنار افراد مرتجع قرار داده می‌شدند مانند این عبارات: «در عمل در خیلی از جاها متأسفانه باز هم شاهد هستیم که بعضی از عناصر کمیته و پاسدار چتری می‌شوند برای عملکرد مزدوران چماقی به‌دست ارتجاع.» (نشریه مجاهد، ش ۴۸، ص ۱۴) و «در طول تهاجم مهاجمین عدماهی گاه در لباس پاسدار و گاه در لباس چماقی به‌دست ظاهر می‌شدند.» (نشریه مجاهد، ش ۴۹، ص ۲) و «این روزها مواجه هستیم چه در تهران و

**نسبت منافقین و مردم‌سالاری در اوایل انقلاب**

## مردود مردم

**دکتر سیدمحسن موسوی‌زاده**  
پژوهشگر بنیاد هایلیلیان

«گر به گروهک منافقین چند پست سیاسی داده می‌شد، احتمالاً سرنوشت آنها تغییر می‌کرد.» «اگر آنها در مجلس چند کرسی داشتند و در وزارتخانه‌ها یا شهرداری‌ها به کار گرفته می‌شدند، در انقلاب حل می‌شدند و دیگر دست به سلاح نمی‌بردند.» اینها بخشی از گزاره‌هایی است که در چند سال اخیر مطرح شده و همگی بر این مسأله تأکید دارند که اگر منافقین در مدیریت کشور به کار گرفته می‌شدند، آنها به جای یک سازمان تروریستی تبدیل به یک حزب نهادمند در چارچوب دموکراسی می‌شدند. هر چند این گزاره‌ها در ابتدا توجه هر فردی را جلب می‌کند اما در آنها یک مشکل بزرگ نهفته است؛ مشکلی به نام قرائت تاریخ بر اساس وضعیت کنونی کشور، وضعیتی که انقلاب اسلامی تثبیت شده و احزاب رسمی در چارچوب قانون به رقابت با یکدیگر می‌پردازند. این پیش‌انگاره سبب شده این قرائت تاریخی به هشدار «جای جلا و شهید عوض نشود!» منجر شود، چرا که پیش‌فرض این انگاره یکی دانستن اهداف و کارکردهای گروه تروریستی منافقین با احزاب متداول در تمام دنیااست که هدف آنها کسب بخشی از قدرت و در نهایت مشارکت در امور سیاسی است. با این حال مروری بر پیشینه شکل‌گیری گروهک تروریستی منافقین و اهداف آنها نشان می‌دهد این گروهک از همان ابتدا نه برای کسب مشارکت سیاسی در امور کشور، بلکه برای کسب تمام قدرت تشکیل شده بود. در واقع ایدئولوژی التقاطی منافقین که تحت تأثیر تعلیم کمونیستی شوروی و مائوئیسم شکل گرفته بود، سبب شده بود آنها به این نتیجه برسند که تحقق آنچه به اصطلاح جامعه بی‌طبقه توحیدی می‌نامند، منوط به انحصار کامل قدرت توسط این گروهک است. همین پیش‌انگاره سبب شد در روزهای اولیه پیروزی انقلاب اسلامی، مسعود رجوی به صراحت بگوید که انقلاب ما یک انقلاب ناقص است. به عبارتی، رجوی تأکید داشت تا زمانی که ما تمام قدرت را به دست نیآوریم و نتوانیم جامعه و سیستم حکومت را بر اساس اهداف خودمان سازماندهی کنیم، انقلاب در ایران محقق نشده است.

با این حال وجود چنین دیدگاهی در گروهک منافقین سبب ممانعت نظام نوپای اسلامی از مشارکت آنها در امور سیاسی نشد. بر همین اساس گروهک منافقین مانند سایر گروه‌ها و احزاب اجازه یافت دفاتر خود را دایر و اقدام به انتشار نشریه کند. در عین حال از مشارکت سیاسی آنها در انتخابات مختلفی نشک در سال‌های اولیه انقلاب بر گزار شد، جلوگیری نشد. اما عملکرد منافقین نشان می‌دهد آنها در عمل قواعد دموکراسی را تا زمانی که نتایج آن به نفع‌شان بود، قبول داشتند. در واقع گروهک منافقین با بهره‌گیری از فرصت انتخابات

<sup>[1]</sup> درگیری‌های مسلحانه گروهک منافقین به صورت پراکنده در سال ۱۳۵۹ نیز در شهرهای شهید، تهران، باته و خرم‌آباد ادامه داشت

<sup>[2]</sup> مهم‌ترین اتفاق در این سال را می‌توان در خرم‌آباد در تاریخ ۹ بهمن ۱۳۵۹ دانست که طی آن منافقین با آتش‌گشودن به روی مردم بی‌دفاع این شهر، ۲ خانم ۳۵ و ۱۸ ساله را به شهادت رساندند و چندین نفر دیگر را مجروح کردند

<sup>[3]</sup> یکی دیگر از وقایع مربوط به سال ۵۹ آموزش سلاح به اعضا و هواداران این گروهک است که نمونه آن در ۲۲ مرداد ۱۳۵۹ در ساری کشف شد

<sup>[4]</sup> طی یک عملیات تعدادی از دختران هوادار این گروهک که در منزل یکی از اعضای آن آموزش سلاح می‌دیدند دستگیر شدند